

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سیدهاشم سدید

17.05.09

آیا آنچه قارون صفتان مسلمان نما میخورند، حلال است؟

این مسأله از دید و با منطق خود پیشوایان دنیا طلب دینی کشور ما طرح شده است روایت است که شخصی با کاسه شیر حضور پیامبر آمده و آن را به پیامبر عرضه داشت تا با آن افطار کنند. پیامبر پرسید: " این شیر را کی فرستاده است؟ " گفتند: " آن را زنی برای شما فرستاده است. " فرمودند: " برگردید و از آن زن بپرسید که این شیر را از کجا تهیه نموده است؟ " به خانه آن زن رفتند و پیام پیامبر را به زن رساندند. زن جواب داد: " از گوسفند خودم. " فرستادگان رسول برگشتند و عرض کردند که زن می گوید: " از گوسفند خودم. " بعد از شنیدن این جواب حضرت فرمودند: " نزد زن بروید و بپرسید که آن گوسفند از کجا آمده است. " فرستادگان برای دومین بار به خانه زن رفتند و سؤال پیامبر را برای او بازگفتند. زن پاسخ داد: " از کار حلال و زحمت و کوشش خودم. " بعد از شنیدن این پاسخ و وقتی که پیامبر اطمینان حاصل نمود که آن شیر حاصل کار و کوشش حلال زن است، فرمود: " اکنون با این شیر افطار میکنم "، و با آن شیر افطار کردند.

فردا وقتی از پیامبر در مورد آن عمل سؤال شد، گفتند: " خداوند به ما پیامبران امر فرموده است که غیر حلال نخورید. " بعضی وقت ها یک حرف یا کلام و جمله و یا یک حدیث و روایت یک یا چند سطری چنان آشوبی را در ذهن انسان بر پا می کند و چنان پرسش های دشوار و عجیب و غریبی را به وجود می آورند که انسان به خواهد یا نخواهد، مجاز باشد یا نباشد، مجبور به تأمل و تفکر در آن مورد میشود.

گفت و گوی بالا میان پیامبر و آورنده کاسه شیر نیز از جمله همان مسایل و نکاتی است که انسانرا، به ویژه وقتی عملکرد مدعیان رهبری مسلمانان کشور خویش را امروز مشاهده می کنیم، به تفکر و تأمل وامیدارد که موضوع چه است؟ چگونه است که اسلام و پیامبر چنان اند و مسلمانان و پیروان آن پیامبر این چنین؟ آنجا یکی از ترس حلال و حرام یک کاسه شیر را با چنان احتیاط حاضر میشود بنوشد و اینجا مدعیان اسلام به غصب تاک های انگور و درختان توت و سیب و میوه های تر و خشک، باغ ها و زمین، چراگاه ها و مواشی و خانه و ثروت مردم می پرازند؛ و نه حلال می بینند و نه حرام میشناسند؛ و در ظرف کمتر از چند سال از خاک بر افلاک میرسند و مالک صد ها و هزار ها جریب زمین و ده ها خانه و بانک و شرکت های ساختمانی و شرکت های هواپیمائی و فابریکه ها و ... میشوند؟ و ده ها سؤال دیگر؛ از جمله:

- واقعیت حلال و حرام چیست؟

- آیا امری که شامل حال پیامبر می شود و پیامبر مکلف به انجام آن است، شامل حال سایر مسلمین نیز میگردد و سایر مسلمانان نیز به انجام آن مکلف هستند یا نه؟

- اگر روزی دهنده یا روزی رسان خداوند است و در نصیب انسان از روز ازل نوشته و معلوم است که انسان چه می خورد و چه می نوشد و چه می کند و چه نمی کند و ...، چنانچه می گویند در هر دانه از گندم نام خورنده ای آن نوشته شده است، - یکی از نام های خداوند رازق، یعنی روزی دهنده است - و انسان در تعیین روزی و رزق خود نقشی ندارد، پس مفهوم رزق حرام از کجا پیدا شد، و ...؟

در مورد حلال و حرام، مختصر عرض شود که هر آنچه محصول کوشش، کار و زحمت خود انسان نباشد، هر آنچه از راه غیر مشروع مثل دزدی، مال مردم خوری، غصب مال دیگران، ربا، تقلب، راهزنی، غارت، رشوه، زور، حيله،

استثمار و کارهایی از این قبیل، به دست آید، در زمره مال حرام به حساب میآید؛ و روزی حاصل از آن روزی یا رزق حرام پنداشته میشود.

عکس آن هر چیزی که حاصل کار و کوشش خود شخص باشد بدون اینکه در آن کار حق دیگری تلف شود و زور یا خدعه و نیرنگ و فریب به کار رود و بدون اینکه حاصل رشوه و غصب و دزدی و اختلاس و ... باشد و یا جامعه و مردم از آن کار متضرر شوند، آن چیز حلال شمرده میشود.

در مورد سؤال دوم نظر دین این است که هر سخن و عمل یا راه و روش یا دستور پیامبر ملاک و برنامه عمل تمام مسلمانان است. بدون پیروی از راه و روش پیامبر از آنجائیکه راه و روش و سخن و عمل پیامبر از قرآن منشاء میگیرد، اسلامیت مسلمانان کامل نیست. پیامبر تنها با عمل نه، که با قول صریح، آنجا که میگوید: "طلب الحلال واجب علی کل مسلم" تمام پیروانش را به طلب مال یا روزی حلال دعوت میکند و حتی آن را در ردیف واجبات قرار میدهد؛ به درجه بالاتر از سنت، که کردن آن ثواب دارد و نکردن آن گناه ندارد.

بنا به قولی واجب و فرض در مذهب شافعی یکی میباشد، و آن عبارت از هر کار یا هر چیزی است که توسل بدان یا ترک آن موجب عقاب گردد. در مذهب حنفی، امام ابوحنیفه میان این دو فرق قایل شده و فرض در نظر او مؤکدتر از واجب است، ولی تفاوت زیادی میان آن دو قایل نیستند؛ چنانچه در نماز هم اگر یکی از واجبات سهواً ترک شود، برای اعاده آن، مانند سهو در ترک یکی از فرائض نماز، سجده سهو باید انجام گیرد.

بنا بر این، گذشته از پیروی از روش و سیره پیامبر، واجب بودن طلب مال حلال بر هر مسلمان حاوی این پیام و معناست که هر مسلمان باید در خصوص حلال و حرام توجه خاصی مبذول دارد و احتیاط لازم را به عمل آورد.

مورد سوم بحث روی این موضوع است که اگر مطابق آیاتی قرآن خداوند متعال همه را رزق حلال نصیب فرموده، پس معنا و بحث رزق حرام از کجا به میان آمده است؟؟

بحث حلال و حرام یکی از ده ها بحث و موضوع مورد جدل جدی برای چندین قرن میان اشعریان و معتزلیان بوده است که بدون رسیدن به نتیجه ای، البته با قهر و تعصب و اعمال زور طرف زورمند و نه از راه استدلال و منطق، با عقب نشینی معتزله فروکش نمود.

مواضع و مکتب معتزله البته در برخی از مسایل از جمله بحث های آن ها در رابطه با رزق و روزی حلال آن گونه که بحث های ایشان امروز واکاوی میشوند تا حدی زیادی منطبق بر استدلال و مبتنی بر واقعیت است. ناسازگاری و تناکر یا تنافر اشعریان از معتزله باوجود بعضاً دلایل روشن و قوی آنها دربرخی موارد، به خصوص با توجه به روانشناسی قدرت و حرص و آز انسانی، شاید ریشه در فطرت انسانی اشعریان داشته است. در غیر آن، آن گونه که امروز هم کسب روزی بسیاری از مسلمانان را در نظر بگیریم همان پرسش ها ما را هم مانند آنها به تأمل و احوال داشت و ذهن ما را نیز آزار خواهند داد.

وجود رزق حرام، با توجه به این امر که خداوند همه را رزق حلال وعده نموده، تنها با قبول این امر که خداوند انسان را حق انتخاب اعطا کرده و انسان باید دارای اختیار و اراده باشد، عینیت و موضوعیت پیدا می کند. بدون باور به داشتن حق انتخاب انسان، این بحث به باریکی هائی می رسد که نه این مقاله کنجایش گفتن آنرا دارد و نه این بحث در حال حاضر برای بعضی ها قابل هضم است.

بحث ما در این جا، شاید خوانندگان محترم این نوشته هم متوجه شده باشند، بر سر مأکول و مشروب از دید اسلام نیست. زیرا این بحث تا حدود زیادی برای همه روشن است و همه می دانیم که نوشیدن شراب یا خوردن گوشت حیوان مرده یا گوشت خوک و ... در اسلام حرام است.

پیامبر که از نوشیدن شیر، تا خود را مطمئن نساخت و یقین حاصل نکرد که آن شیر از زحمت و کار حلال زن فرستنده آن شیر به دست آمده، خود داری کرد برای این نبود که شیر از جمله نوشیدنی های حرام است. او میخواست بداند که آن شیر حاصل کسب حلال است و نه حاصل غصب مال یتیم یا بیوه یا ناتوان و بینوا و از پا افتاده؛ یا حاصل مال دزدی و چور و چپاول و دین فروشی و ...

برای اینکه این مبحث بیش از این به درازا نکشد از رهبران و فعالین جهادی که خود را مسلمان می دانند و به خود حق میدهند در مورد مسلمانی دیگران قضاوت کنند و هر روز یکی را به حبس محکوم می کنند و دیگری را با ارتداد و ... و هر یک به میلیون ها دالر و پوند و دینار و ... از راه های که پیامبر و قرآن آن ها را حرام و غیر مشروع می خوانند اندوخته اند و هر کدام صاحب یا سهام دار ده ها شرکت ساختمانی، هواپیمائی، ترانسپورتی و بارچالائی و ... هستند، میپرسیم که :

1- نظر شما در مورد مسلمانی خود شما چیست؟ آیا شما واقعاً از آن پیامبر که میگوئید، پیامبر و پیشوای شماست و در مورد حلال و حرام چنان محتاط بود، پیروی کرده ائید یا پیروی میکنید؟

2- آیا این همه اعمال شما در رابطه با خلق الله مقرون به احکام اسلام و قرین با راه و روش یا سیره و سنت پیامبر و حکم خداوند است؟

3- آیا میتوانید آن پاکی، تقوا و درستکاری و انسانیت و حقانیت را که شما همیشه بیشتر از دیگران بدان برای برحق بودن خود و برحق بودن باورهای تان، و برای مجاب نمودن دیگران متوسل می شوید، در وجود خود سراغ بگیرید؟

4- در مورد این دارائی های که شما به دست آورده اید - شما نمی توانید واقعیت زندگی و اندازه دارائی خود را در سی سال پیش و هم ثروت امروزتان را که از راه های مشروع به هیچ وجه امکان تراکم آن وجود ندارد - چه می گوئید؟ این دارائی ها از کجا و چگونه به دست آمده است؟ آیا این دارائی ها از نظر اسلام و از نظر خدا و پیامبر حلال هستند؟

5- آیا شما نشنیده اید که پیامبر میگفت: " هر کس از راه غیر حلال مالی به دست آورد، توشه اش آتش است؟" آیا فکر نمیکنید که شما تنها با نماز و روزه و ادعای مسلمانیتان بر روی آب و شن، همانگونه که پیامبر میگفت، خانه بنا میکنید؟

6- آیا این روزی یا رزقی را که خود و آل و اولاد شما میخورید رزق و روزی حلال می خوانید؟ با کدام دلیل؟ زیرا در دین اسلام که شما ها خود را پیرو این دین می نامید، روزی حلال و حرام مشخص شده است. روایت بالا و ده ها روایت دیگر و چندین آیه قرآن به طور قاطع و روشن مفهوم و معنای حلال و حرام را در اسلام تصریح و تعیین میکند.

7- آیا فکر نمی کنید که روح بیمار شما و امثال شما اثر بد مال اندوزی از راه های نامشروع و روزی حرام است که بر قلب و روح شما اثر گذاشته است؟ مسلمانان به این اعتقاد هستند که روزی حرام بر دل و دماغ انسان اثر بد میگذارد و روح و قلب انسان را بیمار میسازد.

8- پیامبر می گفت: " عبادت هفتاد جزء است که بهترین جزء آن طلب روزی حلال است." شما باید به پیامبر و پیامهای پیامبر به مثابه یک مسلمان باور داشته باشید. اگر باور دارید، چرا به این جزء اصلی عبادت توجه نمی کنید و از حرام اجتناب نمی ورزید؟

و ...

نگوئید که داد خداست! زیرا در آنصورت در کنار شیطان قرار میگیرید و سخنان شیطان را به زبان می آورید و خدا را در جرم خود شریک می سازید و تهمتی ناروا به خدا می بندید!

منبع حرام، انحراف اخلاقی و دینی و فکری است. منبع حرام و انحراف - حرام در مورد مسلمان و انحراف در مورد غیر مسلمان - سبک گرفتن ایمان و تعهد است. خدا میگوید: " از حلال و طیب بخورید." و کسی که به خوردن حلال و طیب امر میکند در خوردن حرام کسی را یاری نمیکند. آن چه را شما از راه تقلب و ریا و دزدی و غصب مال مردم به دست آورده اید، داد خدا ننماید! داد خدا گفتن این نوع مال و دارائی و روزی در حقیقت خدا را به بزه کاری متهم نمودن است؛ خدائی که از این نوع اتهام ها بری و منزه می باشد!!

من انتظار ندارم که به من یا به کسانی که چنین پرسشهایی را در برابر شما قرار میدهند پاسخ ارائه کنید، زیرا پاسخ ها و قضاوتهای شما هیچ وقت به خاطر ذات نیک و بد افعال و ذات حق و باطل یا ذات درست و نادرست، چه ذات نیک و بد افعال دیگران و چه ذات نیک و بد افعال و درست و نادرست و... خودتان، نبوده، بلکه پاسخها و قضاوتهای شما همواره با توجه به نفع و ضرری هستند که به خود شما و بستگان شما متوجه میشوند.

غرض از این نوشته انتظار پاسخ نیست، بلکه غرض این است که با توجه به حق و آزادی که خداوند به انسان عنایت نموده، و باتوجه به گناهان بی شمار خود که هر یک غیر قابل بخشش اند، بگذارید آن بندگان خدا را که به نام دین یا به اتهام بی احترامی به دین، و از این قبیل حرف های دور از واقعیت و تهمت های مسخره محکوم به زندان و ... شده اند، آزاد کنند!

شما باور داشته باشید که آب حرام این ها از نان حلال شما، همانطور که حافظ می گفت:

ترسم که صرفه نبرد روز بازخواست

نان حلال شیخ ز آب حرام ما

در روز بازخواست بیشتر و بهتر صرفه خواهد برد.

به جای پاسخ لطفاً به ما سر در گریبان کنید!!